
تحلیل جامعه‌شناختی جنبش‌های اخیر کشورهای عربی بر مبنای نخستین رویکردهای رسانه‌های ایرانی

جلیل محمدیان^۱، دکتر هادی خانیکی^۲، نادره رضایی^۳

چکیده:

در این مقاله به «تحلیل جامعه‌شناختی جنبش‌های اخیر کشورهای عربی بر مبنای نخستین رویکردهای رسانه‌های ایرانی» پرداخته‌ایم. بدین منظور شش مجله و سایت که در این باره «ویژه‌نامه» منتشر کرده‌اند انتخاب و محتوای آنها براساس مقوله‌های: «ماهیت جنبش»، «عوامل درونزا و برونزا»، «بستر اجتماعی و عوامل شکل دهنده»، «دموکراسی و دین»، «جامعه مدنی و نهاد مدنی»، «احزاب»، «رسانه‌ها»، «شبکه‌های اجتماعی»، «جوانان»، «زنان»، «نسبت جنبش با انقلاب اسلامی ایران»، «منافع و مواضع و عملکرد ایران»، «ترکیه» و «جنبه‌های هویتی» تحلیل شد.

پژوهش حاضر این نتایج را به دست داد که هیچ یک از این رسانه‌ها ماهیت این رخدادها را «انقلاب» نمی‌دانند، بلکه این تحولات را جنبش می‌نامند. همه رسانه‌ها این جنبش‌ها را «درونزا» دانسته‌اند و بر عوامل فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، فساد، تبعیض، بی‌عدالتی، ظلم، استبداد در پیدایش آن تأکید دارند. اکثر رسانه‌ها هدف اصلی و خواست مرکزی جنبش‌های مذکور را «دموکراسی» و نقش «احزاب» را در آن مثبت می‌دانند و معتقدند که به روند دموکراسی خواهی و حکومت مردم بر مردم کمک کرده‌اند. همگی اذعان داشته‌اند که «رسانه‌ها» نقش بسزایی در این جنبش ایفا و روند تحولات را تسریع کرده و صدای مردم این کشورها را به گوش جهانیان رسانده‌اند. تمامی آنها «شبکه‌های اجتماعی» را در این جنبش‌ها بسیار مؤثر دانسته‌اند، تا حدی که برخی بر این باورند این شبکه‌ها به زودی جای احزاب را در این کشورها خواهند گرفت. آنهایی که به نقش جوانان و زنان پرداخته‌اند، «جوانان» را پیشگام این حرکت‌ها و نقش زنان را مهم دانسته‌اند. برخی از رسانه‌ها این تحولات را با انقلاب اسلامی مرتبط نمی‌دانند، ولی برخی دیگر این حرکت‌ها را الهام گرفته از انقلاب اسلامی دانسته‌اند و آنها را «بیداری اسلامی» می‌خوانند. به نظر آنها تحولات اخیر فرصت‌های خطیری برای کشورمان فراهم آورده است و ما بایستی با مواضع یکدست و برخورد غیر تبعیض آمیز، توازن راهبردی را به نفع ایران در منطقه جهت دهیم. این رسانه‌ها ترکیه را الگوی موفق برای چشم انداز آینده در این کشورها می‌دانند. به طور کلی همه رسانه‌ها این جنبش‌های مردمی را مرتبط با بحران هویت در کشورهای عربی و در پاسخ به تحقیر عرب دانسته‌اند.

کلیدواژه‌ها:

بهار عربی، بیداری اسلامی، تحلیل محتوا، جنبش اجتماعی، جنبش اجتماعی جدید، شبکه اجتماعی

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۲۵

دریافت مقاله: ۹۱/۷/۱

۱. دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، دانشکده علوم اجتماعی، رودهن، ایران.

۲. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران.

۳. دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران.

بیان مسئله

در فرآیند تحولات اخیر جهان عرب آنچه در سطح مشاهده شد این است که خودسوزی محمد بوعزیزی میوه فروش ۲۶ ساله تونس در روز جمعه ۱۷ دسامبر سال ۲۰۱۰ میلادی و ناآرامی‌های پس از آن در تونس و دیگر کشورهای عربی، تبدیل به اقیانوسی از مواد مذاب در زیر لایه‌های به ظاهر سفت و سخت حکومت‌های توتالیتر شد. چنانکه کشورهای عربی اکنون جنبش‌های مردمی جدیدی را تجربه می‌کنند که اخبار آنها از طریق رسانه‌ها پوشش جهانی یافته است.

اما در اعماق این جامعه‌ها مسئله چیست؟ مطمئناً مسائلی باعث گردیده‌اند که «بهار مردم سالاری» و «پاییز استبداد» مطرح شود. این که زمینه‌های پیدایش این جنبش فراگیر اجتماعی و سیاسی چیست و به کدام سو می‌رود پرسش عمده این ایام است. فقدان دموکراسی، مشکلات اقتصادی، نبود عدالت اجتماعی، حکمرانی بد، خفقان سیاسی، شکاف طبقاتی و نقش‌یابی جوانان، زنان و رسانه‌های نوین از جمله عواملی هستند که در شکل‌گیری این تحولات پر دامنه مؤثر بوده‌اند. البته باید توجه داشت که میزان تأثیر هر یک از این عوامل، نحوه برخورد حکومت‌ها با این جریان‌ها و شکل مقاومت و اعتراض، در کشورهای مورد بررسی یکسان نبوده است.

در واقع حضور مردم در این صحنه‌ها، پدیده‌ای اجتماعی و بازتابندهٔ واقعیت‌های حاکم بر این جوامع است. با توجه به این که مشکلات در جای‌جای جهان عرب، با وجود تفاوت در نوع حکومت و سطح توسعه، کمابیش یکسان است، باید دریافت که چرا ناآرامی‌های این جوامع به صورتی زنجیروار پیش آمده است. جنبش‌های اجتماعی، علل زمینه‌ای دارند و نیازمند چاره‌های اجتماعی هستند. این بدان معناست که دست حکومت‌ها در هدایت آنها از بالا بسته است و نیروهای اجتماعی هستند که باید در پرتو همکاری و همبستگی، اوضاع را دگرگون کنند. جنبش اجتماعی در جهان عرب اگرچه با خودسوزی همان میوه‌فروش دوره‌گرد ۲۶ ساله در تونس آغاز شد و کمابیش همهٔ سرزمین‌های عربی را فرا گرفت، زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مختلف داشته است. آنچه آن جوان را به این کار واداشت تنها عاملی اقتصادی نبود، «نیاز به احترام» نیز از جمله محرک‌های درخور توجه بود. زیرا شهروندان این جوامع، همواره در سایه دیکتاتوری حاکم بر کشورهای خود تحقیر شده‌اند. رهبران عرب در دهه‌های گذشته اگرچه به شیوه‌های گوناگون و در اندازه‌های متفاوت کوشیده‌اند با به کار گرفتن نمادها و شیوه‌های مدرن، جامعه را دگرگون کنند، همگی در سایهٔ «اقتدارگرایی بوروکراتیک»^۱ سیاست‌های خود را پیش برده‌اند. آنان از یک‌سو همهٔ سنت‌های پویا و کارآمد را تنها به علت مدرن نبودن نابود کردند یا کنار گذاشتند و از سوی دیگر، با خشن‌ترین روش‌ها، همبستگی اجتماعی را که در گذر دهه‌ها کمابیش برقرار بود، از میان بردند. برپاشدن جنبش‌های اجتماعی، نشانهٔ

¹ Bureaucratic Authoritarianism

بیماری جامعه و ناکارآمدی حکومت در بسیاری از زمینه‌هاست. به این اعتبار جنبش‌های کنونی در جهان عرب، واکنش در برابر استبداد و تحقیر شهروندان و حقوق شهروندی است که گاه در قالب مدرنیته‌ای میان تهی انعکاس یافته است که در آن رهبران خودکامه، سال‌های سال کج رفتاری‌ها و نابکاری‌های خود را و گاه در اشکال سنتی و عشیره‌ای توجیه می‌کرده‌اند.

بی‌شک حوادث اخیر کشورهای عربی بخشی از تحولات پدیده‌دوران ماست. بنابراین بررسی این جنبش‌ها و پاسخ به پرسش‌هایی دربارهٔ چیستی، چرایی و چگونگی آنها، مسئله‌ای جدی به نظر می‌رسد، که حداقل می‌توان از طریق نحوهٔ انعکاس آنها در رسانه‌ها و تکمیل ارزیابی‌های رسانه‌ای به بخشی از این ضرورت پرداخت. با توجه به آنچه گذشت، پرسش اساسی و آغازین پژوهش چنین است: چیستی، چرایی و چگونگی جنبش‌های اخیر کشورهای عربی از نظر رسانه‌های ایرانی چگونه بوده است؟

سؤالات مقوله‌ها

این تحقیق در پی آن است که نگاه و رویکرد توصیفی و تحلیلی رسانه‌های ایرانی به جنبش‌های را اخیر بر پایهٔ ۱۴ سؤال زیر بررسی کند.

- ۱- تحولات اخیر صورت گرفته در کشورهای عربی، انقلاب است یا جنبش؟
- ۲- جنبش‌های اخیر حاصل عوامل درون‌زا است یا برون‌زا و نقش مداخلات خارجی را این تحولات چگونه است؟
- ۳- جنبش‌های اخیر کشورهای عربی در چه بستر اجتماعی در این کشورها به وجود آمده‌اند و عوامل شکل دهندهٔ این تحولات کدامند؟
- ۴- هدف اصلی و خواست مرکزی این جنبش‌ها دموکراسی است یا دین یا هر دو؟
- ۵- نسبت جامعهٔ مدنی و نهادهای مدنی با جنبش‌های اخیر کشورهای عربی چیست؟
- ۶- نقش احزاب و عملکردشان در جنبش‌های اخیر کشورهای عربی چگونه بوده است؟
- ۷- نقش رسانه‌ها در جنبش‌های اخیر کشورهای عربی چگونه است؟
- ۸- تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر جنبش‌های اخیر چگونه بوده و این شبکه‌ها با چه سازو کارها و فرآیندهایی تغییر وضعیت ایجاد کرده‌اند؟
- ۹- نقش جوانان در جنبش‌های مردمی کشورهای عربی چگونه بوده است؟
- ۱۰- نقش زنان در جنبش‌های کشورهای عربی چگونه ارزیابی می‌شود؟
- ۱۱- نسبت این جنبش‌ها با انقلاب اسلامی ایران چیست؟
- ۱۲- منافع، مواضع و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر کشورهای عربی چگونه بوده است؟

۱۳- تأثیر ترکیه در تحولات اخیر کشورهای عربی چیست و این کشور با چه دیپلماسی در منطقه ایفای نقش کرده است؟

۱۴- تا چه اندازه جنبه های هویتی جنبش های مردمی در کشورهای عربی قابل توجه است؟

چارچوب مفهومی

جنبش اجتماعی، اولاً مفهومی وسیع و چند وجهی است و ثانیاً در مورد جنبش های اجتماعی متون نظری گسترده ای وجود دارد که از نظریه های کلاسیک تا نظریه های جدید و ترکیبی را در بر می گیرد. در اینجا از مجموع این نظریه ها به طور خلاصه برخی از مهم ترین عناصر مؤثر در تحلیل جنبش های اجتماعی که برای تدوین چارچوب مفهومی مورد تأکید قرار گرفته اند آورده می شود.

۱- بر پایه تحلیل طبقاتی کارل مارکس از تحولات اجتماعی، طبقه کارگر صنعتی حاملان اصلی جنبش ها محسوب می شوند که خود باید آگاهی داشته باشند و با سازماندهی، این رسالت تاریخی را که رهایی بخشی علیه طبقه سرمایه دار و جامعه سرمایه داری است انجام دهند (جلایی پور، ۱۳۸۹).

۲- براساس طبقه بندی چهارگانه ماکس وبر از «کنش های اجتماعی» و گونه شناسی سه گانه اش از انواع «سلطه» باید برای درک جنبش اجتماعی از نظر وی بدانیم که جنبش اجتماعی چه نوع کنشی هستند و ارتباط رهبران جنبش و پیروان آن مبتنی بر چگونه اقتداری است. از نظر وبر چون اقتدار کاریزماتیک مبتنی بر کنش عاطفی است، مشارکت در جنبش اجتماعی نوعی رفتار غیرعقلانی محسوب می شود (مشیرزاده، ۱۳۸۱).

۳- به نظر هانا آرنت فرد در جامعه مدرن دچار تنهایی و جدا افتادگی می شود و همین امر حوزه عمومی و سیاسی را مختل می سازد. جنبش توده ای به عنوان راهی برای رهایی از این تنهایی شکل می گیرد. از این رو از نظر او جوامع و جنبش های توده ای و توتالیتار یکسان تلقی می شود (بشیریه، ۱۳۸۰ و مشیرزاده، ۱۳۸۱).

۴- ویلیام کورن هاووزر بر این عقیده است که فرد با از دست دادن همبستگی های گروهی خود منزوی و ذره گونه می شود، به این سبب برای پذیرش ایدئولوژی های توتالیتار و همبستگی بخش آمادگی پیدا می کند. به نظر او رفتار توده ای که رفتاری متوجه هدف های دور و دور از تجربه زندگی روزمره است، عمدتاً حول یک برنامه سازمان می یابد و تداوم پیدا می کند، و صورت یک جنبش توده ای به خود می گیرد. از نظر هاووزر شهر نشینی سریع و صنعتی شدن جوامع در مراحل اولیه آنها، مهاجرت گسترده، تشکیل ناگهانی حکومت مردمی در جامعه تحت حاکمیت مستبدانه فردی، همگی در شکل گیری جنبش های توده ای مؤثر هستند (بشیریه، ۱۳۸۰ و دلاوری، ۱۳۷۵ و مشیرزاده، ۱۳۸۱).

۵- ادوارد برنت تیلور ریشه جنبش های اعتراضی را افزایش شکاف میان برداشت ها یا انتظارات از شرایط حال، گذشته و آینده می داند و بر این باور است که وجود تضاد در موقعیت و پاداش های

دریافتی، بالا و پایین رفتن ناگهانی رشد، تحرک پایین و محرومیت نسبی در مقایسه با گروه موجب پیش آمدن چنین صورت بندی هایی می شود (مشیرزاده، ۱۳۸۱).

۶- جمیز دیویس معتقد است که جنبش ها و انقلاب ها زمانی رخ می دهند که بعد از یک دوره طولانی توسعه اقتصادی- اجتماعی، دوره کوتاهی از افول سریع و شدید پدید می آید (بشیریه، ۱۳۸۳).

۷- تدرابرت گر با استفاده از یافته های نظریه محرومیت نسبی و پیوند آن با خشونت داخلی می گوید که محرومیت نسبی به سرخوردگی و سرخوردگی به خشم منجر می شود و این خود می تواند به رفتار خشونت آمیز منتهی شود. مطابق نظر گر، هر فرد به میزان شکافی که میان انتظارات و توانایی های متصورش وجود دارد، دارای محرومیت نسبی است (مشیرزاده، ۱۳۸۱).

۸- رالف ترنر و لوئیس کیلیان که از جمله نظریه پردازان مهم مکتب رفتار جمعی به شمار می آیند، جنبش اجتماعی را اقدام دسته جمعی مجموعه ای از افراد جامعه می دانند که برای تبلیغ و ترویج یا جلوگیری از تغییری در کل جامعه یا در بخش و پاره ای از آن یعنی در بین گروهی و عده ای از افراد جامعه، بسیج می شوند، به اقدام مبادرت می ورزند. از نظر آنها جنبش اجتماعی فعالیتی است که میزانی از استمرار و تداوم در آن به چشم می خورد و بنابر میزان نفی وضع موجود نهفته در هر جنبش اجتماعی می توان جنبش ها را در طیفی از دگرگونی قرار داد. طیفی که از یک سو جنبش اجتماعی را به انقلابی فراگیر بدل می سازد و از سوی دیگر بر اصلاحات کم دامنه توجه دارد. در تعریف ترنر و کیلیان پرهیز آگاهانه اعضای جنبش اجتماعی از خشونت، حداقل در مراحل آغازین جنبش های اجتماعی وجود دارد و همین پرهیز آگاهانه جنبش های اجتماعی را از انقلابات تمام عیار، قیام، شورش و انواع دیگر رفتار جمعی متمایز می سازد (پیران، ۱۳۸۴).

۹- مایر زالد و جان مک کارتی که از نظریه پردازان برجسته دیدگاه «بسیج منابع» هستند بر این عقیده اند که نارضایتی، باورهای تعمیم یافته و توجیحات ایدئولوژیک باعث به وجود آمدن رفتار اعتراضی می شوند. به نظر آنان شرایط ساختاری بر نارضایتی تأثیر می گذارد و با افزایش میزان منابع، احتمال ظهور و گسترش منابع جدید و سازمان های جنبش اجتماعی بیشتر می شود. تمرکز اصلی زالد و مک کارتی بر پویایی ها و تاکتیک های رشد، افول و تحول در جنبش اجتماعی است، از این رو، آنان به چرایی پیوستن افراد به جنبش های اجتماعی و زمینه های گوناگون نارضایتی توجهی نمی کنند و مطالعه خود را تنها به امکانات سازمانی و بسیج منابع و مسایلی از این دست محدود می کنند (کیت نش، ۱۳۸۲؛ دپتر^۱، ۲۰۰۹).

¹ Dieter

۱۰- از نظر چارلز تیلی توان یک جنبش اجتماعی از حاصل ضرب چهار معیار ارزش مندی، اتحاد، شمار و تعهد به دست می‌آید. در واقع حاصل ضرب ارزشمندی در اتحاد، شمار و تعهد، توان یک جنبش اجتماعی را بیان می‌کند. لذا اگر هر یک از مؤلفه‌های فوق به صفر برسد توان جنبش نیز از بین می‌رود. تیلی برای تبیین جنبش‌های اجتماعی-سیاسی دو مدل تعامل جامعه سیاسی و بسیج را مطرح می‌کند. به طور کلی می‌توان گفت که طرح نظری تیلی با تکیه بر عناصری چون منافع، قدرت، سازماندهی و بسیج گروه‌های معارض و سرکوب، تساهل و آسیب پذیری دولت، به فرآیند سیاسی در جنبش اجتماعی توجهی ویژه دارد (گوانینی، مک آدام، تیلی^۱، ۱۹۹۹؛ مشیرزاده، ۱۳۸۱).

۱۱- از نظر مک آدام برای آن که یک جنبش اجتماعی به راه بیفتد وجود سه عامل ضروری است: «شرایط محیطی یا فرصت‌های سیاسی»، «سازمان‌های از پیش موجود یا توان سازمانی» و «رهایی معرفتی یا تحول روانی- اجتماعی»، به این ترتیب سه عنصر مدل فرآیند سیاسی از نظر او رهایی معرفتی، فرصت سیاسی و توان سازمانی است که در کنار هم شرایط ظهور یک جنبش اجتماعی را فراهم می‌آورند. به طور کلی نظریه فرآیند سیاسی با چارچوبی منسجم که عواملی چون نقش تشکیلات، فرصت‌های سیاسی، چارچوب‌گذاری و جنبه‌های فرهنگی و منابع عمل جمعی را در برمی‌گیرد توانایی بالایی در تبیین جنبش‌های اجتماعی و چگونگی تحول آنها می‌تواند داشته باشد (مک آدام، ۱۹۸۲؛ دیتز، ۲۰۰۹).

۱۲- آلن تورن رویکردی معناگرایانه، هویت‌محور و هنجاری را در مورد جنبش‌های اجتماعی بر می‌گزیند. مهم‌ترین مولفه‌های مورد نظر تورن در بررسی ماهیت جنبش‌های اجتماعی «فرآیند بر ساخته شدن هویت» کنشگر و «زمینه‌ای است که این هویت در آن شکل می‌گیرد». به نظر او «هویت جمعی» منتج از نوعی تفسیر در وضعیت موجود است که تقابل میان حامیان و مخالفان جنبش را نیز معنادار می‌کند و سمت‌گیری هنجاری کنشگران را در وضعیت فرهنگی مشترک و مورد مخاصمه ممکن می‌سازد (جلایی پور، ۱۳۸۹).

۱۳- آلبرتو ملوچی نیز همانند تورن جنبش‌های اجتماعی جدید را از ویژگی‌های جوامع فراصنعتی می‌داند. از نظر او جنبش‌های اجتماعی جدید می‌کوشند تا با تجاوز دولت و بازار به زندگی اجتماعی مقابله و هویت فرد و حق او را در تعیین زندگی خصوصی مطالبه کنند. چنانکه پیشتر آمد، آنچه در تحلیل ملوچی اهمیت دارد، مفهوم "شبکه‌های شناور نامحسوس" است که خود محصول شکل‌گیری هویت جمعی به دلیل مشارکت افراد در جنبش‌ها محسوب می‌شود. اهمیت مفهوم هویت جمعی نزد ملوچی تا آنجاست که در جنبش‌های اجتماعی هویت جمعی را فراتر از این می‌داند که وسیله‌ای برای نیل به یک هدف راهبردی باشد. به عبارت دیگر هویت فی نفسه هدف کنش اجتماعی است (دیانی^۲، ۱۹۹۲؛ مشیرزاده ۱۳۸۰).

¹ Guiani, McAdam & Tilly

² Diani

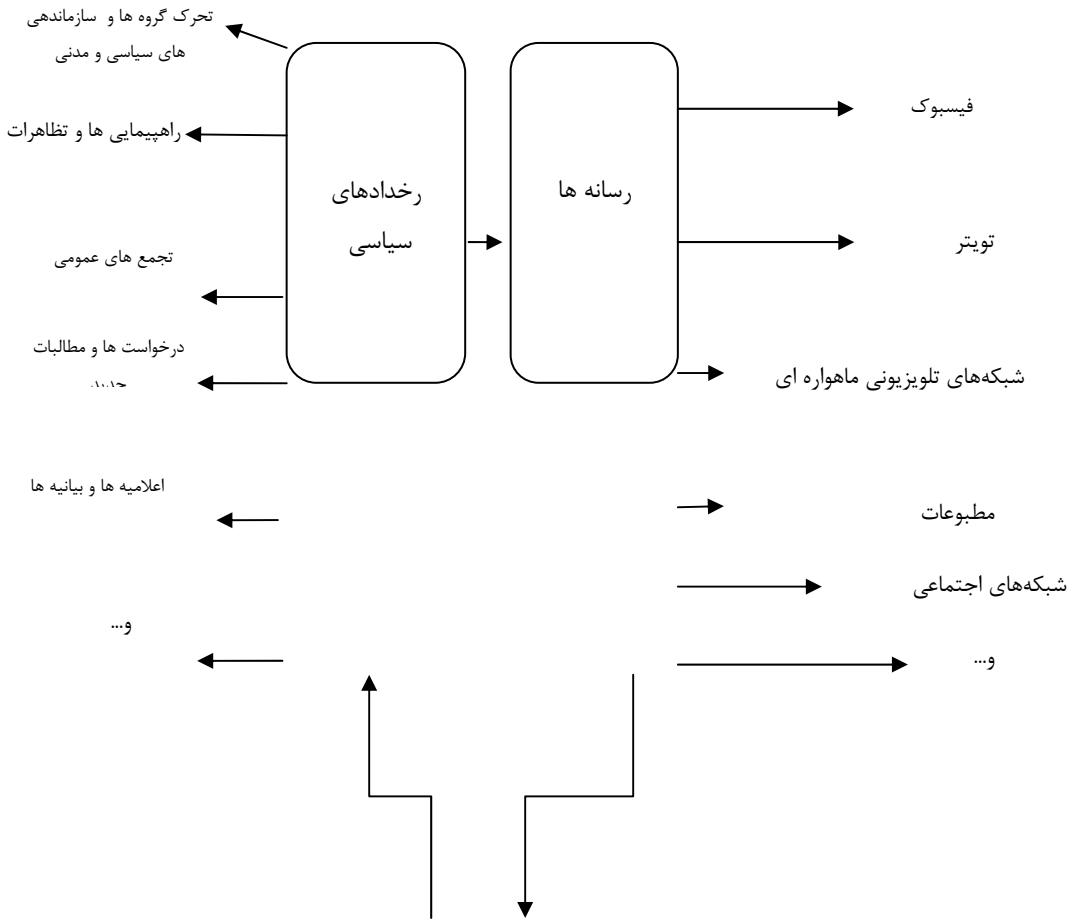
۱۴- برپایه نظریه وابستگی ساندرابال روکیچ و ملوین دی فلور میان رسانه، جامعه و مخاطب رابطه‌ای سه گانه برقرار است. لذا هر چه کارکرد و سیاست‌های رسانه‌ها بیشتر در جهت برآوردن نیازهای مخاطبان باشد و با توجه به شرایط و نیازهای جامعه طراحی شود، وابستگی مخاطبان آنها را بیشتر می‌شود. در غیر این صورت مخاطبان خواهند کوشید رسانه‌های دیگری بیابند (سورین و تانکار، ۱۳۸۴).

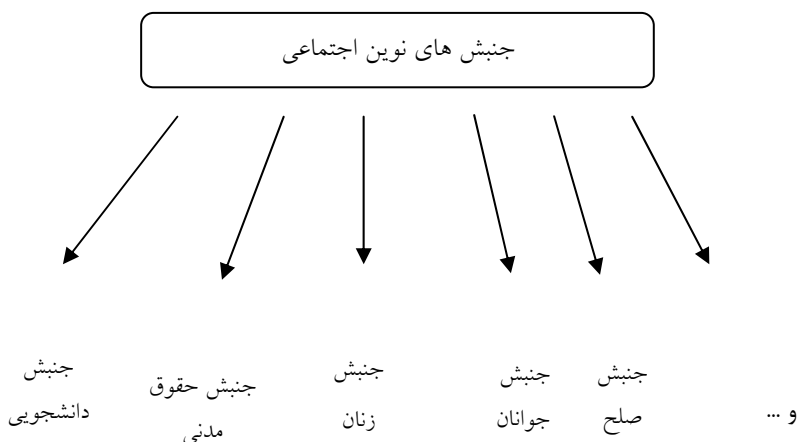
۱۵- یورگن هابرماس با طرح نظریه‌های «حوزه عمومی» و «کنش ارتباطی» وجود سازو کارهایی چون مفاهمه، ارتباط و استدلال مبتنی بر تعقل را موجب شکل‌گیری ایستارهایی هنجاری می‌داند که بر فرآیند اعمال قدرت دولت، آثاری آگاهی دهنده و عقلانی ساز می‌گذارند. وی بر این باور است که رفتار افراد در جریان مفاهمه در حوزه عمومی، بیشتر بر «کنش کلامی» عاری از فشار و سلطه استوار است و در پرتو آزادی، آگاهی و برابری صورت می‌گیرد (نوذری، ۱۳۸۶).

۱۶- مانوئل کاستلز با تکیه بر مفهوم جامعه شبکه‌ای، نظریه جدیدی را در باب نسبت میان رسانه‌ها و جهان واقعی عرضه می‌دارد. او معتقد است که شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند، و گسترش منطبق شبکه‌ای تغییرات چشم‌گیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد می‌کند. وی ویژگی‌های اصلی جامعه شبکه‌ای را اقتصاد اطلاعاتی، فعالیت‌های اقتصادی شبکه‌ای، تحول در نحوه انجام دادن کار و ساختار اشتغال، ظهور قطب‌های متقابل، فرهنگ واقعیت مجازی، سیاست بر بال رسانه و زمان بی‌زمان و فضای جریان‌ها می‌داند. کاستلز برای دو مفهوم هویت و شبکه اهمیت ویژه‌ای قائل است. از نظر او هویت نه یک امر ذاتی بلکه یک برساخت اجتماعی است. اما نکته محوری در اندیشه کاستلز بر ساخته شدن هویت‌هاست، هویت «مقاومت»، هویت مشروعیت بخش و هویت برنامه دار سه وجه از این برساختگی است (کاستلز، ۱۳۸۹).

مدل تحقیق

از مجموع نظریه‌ها و تعاریف مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که جوامع جدید با جنبش‌های اجتماعی نوینی مواجه هستند که فرآیند شکل‌گیری آنها از ویژگی‌های طبقاتی پیشین فراتر رفته و در قالب کنش‌های اجتماعی متأثر از ساخت قدرت، هویت، معرفت، سازمان‌ها و نهادهای مدنی، شبکه‌های اجتماعی، فضاها و فرصت‌های سیاسی بروز و ظهور پیدا کرده‌اند. در این صورت بندی جدید، رسانه به ویژه رسانه‌های اجتماعی مجازی نقش‌ها و کارکردهای مهمی یافته‌اند. می‌توان برای توصیف و تبیین پیوند سه گانه میان این سه عرصه سیاسی، اجتماعی و رسانه‌ای از چارچوب مدل زیر استفاده کرد که در هر یک از سه وجه خود دارای مؤلفه‌های مختلفی است:





روش شناسی

این مقاله، برگرفته از پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی جنبش‌های اخیر کشورهای عربی بر مبنای داده‌های رسانه‌ای (۹۰ - ۸۹)» است که با استفاده از روش‌های «تحلیل محتوای کیفی» و روش «اسنادی-کتابخانه‌ای» اجرا شده است. به این منظور ارزیابی سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های تخصصی و تحلیلی مدنظر است. بر این پایه از ۱۰ تن از صاحب نظران و کارشناسان سیاسی حوزه خاورمیانه پرسیده شد به نظر آنها، از میان فصل‌نامه‌ها، ماه‌نامه‌ها و هفته‌نامه‌ها و نیز سایت‌های اینترنتی بیشترین نشریاتی که به تحلیل اینها پرداخته اند، کدامند؟ براساس نظر این استادان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی این ویژه‌نامه‌ها انتخاب شد، «فصل‌نامه ره‌نامه سیاست‌گذاری تابستان ۹۰»، «دو ماهنامه چشم انداز ایران اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰»، «ماهنامه آیین ویژه نوروز ۹۰»، «ماهنامه همشهری دیپلماتیک خرداد ۹۰»، «هفته‌نامه پنجره شماره ۸۶ تاریخ ۲۷ فروردین ۹۰ و شماره ۱۰۴ تاریخ ۵ شهریور ۹۰» و «سایت دیپلماسی ایرانی».

از این میان مطالبی که به مسئله جهان عرب به صورت خاص و تحلیلی پرداخته اند پی گرفته شد و در شش رسانه آیین، چشم انداز، همشهری دیپلماتیک، پنجره، ره‌نامه سیاست‌گذاری و سایت دیپلماسی ایرانی مقوله‌هایی که به مسایل ماهیت جنبش، عوامل درونزا و برونزا، بستر اجتماعی و عوامل شکل دهنده، دموکراسی و دین، جامعه مدنی و نهاد مدنی، نقش احزاب، نقش رسانه‌ها، تأثیر شبکه‌های اجتماعی، نقش جوانان، نقش زنان، نسبت جنبش با انقلاب اسلامی ایران، منافع، مواضع و عملکرد ایران، نقش ترکیه و جنبه‌های هویتی پرداخته بودند استخراج و کد گذاری شد.

توصیف یافته ها

با رویکردی توصیفی و تحلیلی می توان شش رسانه تخصصی را در گونه های ذیل طبقه بندی کرد:

۱) چپستی تحولات

در پاسخ به این پرسش که تحولات اخیر صورت گرفته در کشورهای عربی، انقلاب است یا جنبش؟ براساس کدگذاری مقوله های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است.

- تحولات خاورمیانه جنبش است، برای این که با عقلانیت و محاسبه گری گره خورده و البته تناقضی با عواطف، احساسات، فداکاری، ایثار و قاطعیت هم ندارد. ترکیبی از مطالبات است، برای ایجاد تغییر بدون دست زدن به حرکت های تند انقلابی. تغییر و اصلاح، وجه عمومی کار است، اگرچه رادیکالیزه می شود. به نظر می رسد این ها انقلاب های آرام سیاسی هستند. (آیین، محمودی و جلالی پور، ویژه نوروز ۹۰).

- این حرکت ها هنوز «انقلابات ناتمام» محسوب می شوند، چرا که زمان کافی نداشته اند تا تغییرات کافی و جابه جایی لازم را در ساختار قدرت ایجاد کنند. (چشم انداز، مرجایی، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰).

- بسیار دشوار است که این تحولات را جنبش بنامیم. رخدادهای خاورمیانه هرگز نام انقلاب به خود نمی گیرند. شورش نیز تعاریف مشخصی دارد و این تحولات با آن تعاریف هم سازگار نیست. (دیپلماسی ایرانی، داورانی، ۹۰/۱/۴).

- تحولات خاورمیانه عربی را باید انقلاب سیاسی بخوانیم و گر نه قیام هایی هستند که به فرم سیاسی منتهی می شوند. (همشهری دیپلماتیک، فردوسی پور، خرداد ۹۰)

۲) عوامل درونزا و برونزای جنبش

در پاسخ به این پرسش که جنبش های اخیر حاصل عوامل درونزا است یا برونزا و نقش مداخلات خارجی را در این تحولات چگونه ارزیابی می کنید؟ بر اساس کدگذاری مقوله های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است.

- هدف محوری روشنفکران و سیاست پیشگان در مرحله کنونی، لگام زدن به اسب چموش استبداد داخلی است. غرب با تأخیر وارد این جنبش شده یعنی حداقل در ظاهر چنین نیست که غربی ها از ابتدا در این حوادث حضور داشته اند، اما به تدریج وارد این بحث شدند. (آیین، محمودی و فیرحی، ویژه نوروز ۹۰)

- دولت امریکا از تحول کنترل شده در کشورهای عربی حمایت می‌کرد. تغییرات ایجاد شده کار هیچ‌نخبه یا گروه نظامی کودتاجی یا حتی دخالت خارجی نیست، بلکه به طور مستقیم از مردم الهام گرفته و ساخته دست آنهاست. (چشم انداز، عبدی و توان، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- این اشتباه رایجی است که چون طرح خاورمیانه بزرگ را آمریکایی‌ها مطرح کردند، حالا هم امریکا پشت همه تحولات است. بحرین اشتباه می‌کند که حرکت مردم را به ایران منتسب می‌کند و حمایت خارجی را مسبب حوادث می‌داند. سوریه می‌گوید اعتراضات مردمی به صهیونیست‌ها یا آمریکایی‌ها یا هر نیروی خارجی دیگری ارتباط دارد. همه این تحولات درون‌زا نبوده و نیروهای برون منطقه‌ای به شدت در این تحولات تأثیرگذار شده‌اند. عربستان انتقادات شدید نهاد‌های مستقل بین‌المللی و حقوق بشری را تحمل کرده، اما اجازه نداده است که انقلاب بحرین به بارنشیند. منافع راهبردی و اقتصادی غرب در خاورمیانه شرایطی را فراهم کرده است تا در نقطه عطف نظام‌های عربی، آنان را به بازیگرانی تأثیرگذار بر تحولات این کشورها تبدیل نماید. آنچه در تونس اتفاق افتاد تحولی کاملاً درونی و جنبشی مردمی و حاصل انفجار مطالبات مردم و به دور از یک برنامه ریزی خارجی بود. (دیپلماسی ایرانی، سبحانی، ۹۰/۱/۲۴، قربان اغلی، ۹۰/۶/۱۵ و فرازمنند، ۹۰/۵/۴)

- بین این تحولات و طرح خاورمیانه بزرگ مدنظر امریکا، که از یک دهه پیش از این در فهرست اولویت‌های بالای راهبردی دولتمردان آمریکایی قرار داشت، می‌تواند ارتباطی عمیق وجود داشته باشد. جنبش‌های نوپدید عربی، پدیده‌هایی یکسره بومی است که نیروهای بیگانه نقشی در رخ دادن آن نداشته‌اند یا نقش آنها بسیار کم‌رنگ بوده است. سرازیر شدن مردمان به خیابان‌ها در کشورهای عربی، نه برای اعلام ایستادگی در برابر دشمنان و نیروهای متجاوز بیرونی، بلکه برای مطالبه حقوق و آزادی‌های پایمال شده شان در گذر دهه هاست. استمرار حضور مردم در تظاهرات در شهرهای آشوب زده گسترده تر از آن است که بتوان حوادث سوریه را تنها دست پخت و برنامه توطئه براندازانه بیگانه دانست، با این حال حمایت بیگانگان در دلگرمی و تهییج مردم مؤثر است. (ره نامه سیاست گذاری، بی نیاز و مقصودی، تابستان ۹۰)

- غرب به ویژه محور آمریکایی-صهیونیستی ابتدا با ایجاد وقفه در روند قیام‌های مردمی و تبدیل آنها به نزاع‌های قبیله‌ای، طایفه‌ای و فرقه‌ای اولاً بازی را تأخیری کردند و در ثانی با بین‌المللی کردن فرایند رفرم مانع گذار جوامع مدنی خاورمیانه عربی از مرحله مدرنیته به مفهوم جوامع لائیک به مرحله فرامدرن شدند. (همشهری دیپلماتیک، فردوسی پور، خرداد ۹۰)

- برخی از کشورهای عربی منطقه، همسایگان بحرین، آمریکا و کشورهای غربی در سرکوب شدید این مردم، هم‌موضوع و هم‌صدا شدند. مداخله گران در بحرین برای سرکوب مردم بهانه‌های خارجی و موضوع ایران را مطرح کرده‌اند. (پنجره، واعظی، ۹۰/۱/۲۷)

۳) بستر اجتماعی و عوامل تشکیل دهنده جنبش

در پاسخ به این پرسش که جنبش های اخیر کشورهای عربی در چه بستر اجتماعی در این کشورها به وجود آمده است و عوامل شکل دهنده این تحولات را چه می دانید؟ براساس کدگذاری مقوله های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است.

- اعراب در شمال آفریقا مسائل و ویژگی های خاص خودشان را دارند، مشکلات شان بیشتر اقتصادی است. فقر، شکاف طبقاتی رو به گسترش، بی عدالتی، ظلم و بیکاری که ریشه اصلی شان را باید در سیستم بسته دیکتاتوری جستجو نمود، ناکارآمدی نظام های استبدادی در تأمین معیشت مردم و گسترش زایدالوصف بیکاری، فقر و شکاف های طبقاتی از جمله این ویژگی ها هستند. (آیین، سبحانی، صادقی و قربان اغلی، ویژه نرورز ۹۰)

- بیکاری، فقر، فقدان آزادی و اعمال دیکتاتوری، وابستگی و تحقیر عربیت^۱ در برابر خوی تجاوزگری و سرسختی اسرائیل و غیره. در جوامع عرب، مردم از نظر امرار معاش و نیازمندی اقتصادی به ستوه آمده اند. از بالا رفتن قیمت ها و بیکاری شکایت می شود، اما نارضایتی از رفتارهای ناپهنجار، بی ملاحظه و تبعیض آمیز اجتماعی را نیز در بر می گیرد. خواص هیئت حاکمه با عملکرد خویش اساسی ترین حقوق انسانی شهروندان، مانند حق آزادی بیان، حق نمایندگی، مشارکت سیاسی، مسئولیت پذیری و پاسخگوبودن قدرت، برابری و عدالت در دسترسی به منابع کشور و فرصت های بازار آزاد را نفی می کنند. (چشم انداز، میثمی و مرجایی، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- مطالبات در این کشورها انباشته شده بود. در الجزایر تضادهای اجتماعی، فقر و فاصله طبقاتی وسیعی وجود دارد. تضاد و شکافی هم از لحاظ فرهنگی بین فرهنگ عربی و فرهنگ فرانسوی در این کشور وجود دارد و مشهود است. فساد رژیم های حاکم در کشورهای عربی، سرسپردگی و وابستگی آنان به امریکا و غرب، فقر و فاصله طبقاتی و نارضایتی عمومی از همکاری نزدیک و تنگاتنگ برخی از رژیم های عرب با اسرائیل موجب خشم عمومی و اعتراضات مردمی شده است. (دیپلماسی ایرانی، جلالی پور، ۹۰/۱/۲۴ و جنتی، ۹۰/۵/۲۷)

- نرخ بالای بیکاری جوانان، نرخ بالای تورم و در نتیجه پایین بودن قدرت خرید خانوارها، احساس عمومی وجود بی عدالتی و فساد مالی گسترده در لایه های مختلف بخش دولتی. فقر گسترده و کمبود امکانات رفاهی در کشورهای عربی، با وجود منابع ارزشمند انسانی و زیرزمینی. وجود نرخ بالای بیکاری جوانان، تورم بالای قیمت ها و وجود بی عدالتی اجتماعی و فساد مالی گسترده در بخش عمومی اقتصادهای منطقه. دموکراسی خواهی، مشکلات اقتصادی، نبود عدالت اجتماعی، حکمرانی بد، خفقان سیاسی، شکاف طبقاتی و نقش جوانان، زنان و رسانه های نوین. (ره نامه سیاست گذاری، بی نیاز و مقصودی، تابستان ۹۰)

^۱ تازی زبان بودن، به زبان عربی تکلم کردن

- ساختار چند پاره حزبی و قبیله‌ای و تلاش علی عبدالله صالح برای ایجاد تفرقه‌های سیاسی و مذهبی، اختلاف افکنی در میان معترضان، فشار بر شیعیان، محدود نشان دادن معترضان به یک گروه خاص شیعه، هدایت معترضان به سمت مبارزه مسلحانه و... (همشهری دیپلماتیک، مه‌دیان، خرداد ۹۰)

- ساختار سیاسی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز آل خلیفه ریشه تاریخی دارد. آنچه در بحرین با آن مواجه هستیم این است که یک اقلیت یا خاندان، برای مدتی طولانی و بیش از دو قرن بر سر کار هستند و اکثریتی از شیعیان و البته اهل سنت این کشور، چنان وضعیت فلاکت‌باری دارند. (پنجره، واعظی، ۹۰/۱/۲۷)

۴) خواست و هدف اصلی جنبش

در پاسخ به این پرسش که جنبش‌های مذکور هدف اصلی و خواست مرکزی شان را دموکراسی می‌دانند یا دین یا هر دو؟ براساس کدگذاری مقوله‌های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است.

- بر دموکراسی، احترام به حقوق بشر و ایجاد حکمرانی خوب پای می‌فشارند. فقط اسلام‌گرایان رهبری اعتراضات را به عهده ندارند، تمامی نیروهای مخالف رژیم، یکپارچه در مقابل دیکتاتوری ایستاده‌اند و دموکراسی را به مثابه یک قرارداد اجتماعی وحدت‌بخش پذیرفته‌اند. نمادها و لحن شعارهایشان در حرکت‌های اخیر، برپایی نماز جماعت در برخی از راهپیمایی‌ها و... به خوبی نشان از عجین بودن این حرکت‌ها با اسلام خواهی دارد. این حرکت‌ها ایدئولوژیک نیستند، بلکه بیشتر حول دموکراسی شکل گرفته‌اند. طبقه متوسط شهری و جوانان و روشنفکران تمایلی به ایدئولوژی ندارد، ضمن آن که پایبندی‌های خاصی به باورهای دینی خود دارد، آن را به طور کامل از مطالبات سیاسی جدا می‌کنند. (آیین، صادقی، ادیب و خاتمی، ویژه نروز ۹۰)

- خیزش عرب جوان‌گرا و غیرایدئولوژیک بوده است. جهان عرب در آستانه دستیابی به نوعی دموکراسی و مردم‌سالاری اسلامی است که زمینه‌های افراطی‌گری را نیز از بین می‌برد.

(چشم‌انداز، مرجایی و فخرزاده، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- آنچه در این حرکت‌ها مشخص است، بدون ایدئولوژی بودن آنهاست. اینکه بخشی از شعارهای مردم اسلامی باشد بدان معنا نیست که این شعارها و نشانه‌ها نمایانگر ماهیت این جنبش‌ها یا غایت مطالبات مردم است. تحولات جدید در کشورهای عربی یا موج سوم کشورهای عربی، موج دموکراسی خواهی است. در این تحولات در پس ذهن مردم این است که این مطالبه دموکراسی و آزادی به نوعی بومی و خودی باشد. (دیپلماسی ایرانی، سبحانی، ۹۰/۶/۲۰ و قربان اوغلی،

- مهم ترین متغیر دخیل در شکل گیری این جنبش ها آغاز روند دموکراسی خواهی مردم منطقه است. حرکت های نوین منطقه حکومت مردم بر مردم را طلب می کند. البته حکومت مردم سالارانه واقعی نمی تواند دین، ملیت، و عدالت اجتماعی را نادیده بگیرد. این جنبش ها نشانه های سیاست «ما بعد اسلام گرایی» را در خود دارند، سیاستی که در پی تلفیق آزادی با مذهب است و می کوشد یک دولت غیردینی دموکراتیک را با یک جامعه مذهبی توأم کند. (ره نامه سیاست گذاری، مقصودی، تابستان ۹۰)

- اسلام از خواسته های اساسی مردم است و در همه این قیام ها از نمادهای اسلامی به کرات استفاده شده است. (پنجره، زاکانی، ۹۰/۱/۲۷)

۵) نسبت جامعه مدنی و نهادهای مدنی با تحولات

در پاسخ به این پرسش که نسبت جامعه مدنی و نهادهای مدنی با جنبش های اخیر کشورهای عربی چیست؟ بر اساس کدگذاری مقوله های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- مدنیت و تکرر جامعه فرهنگی مصر به گونه ای بوده و هست که به رغم خواسته های اقتدارگرایانه رژیم مبارک، او نتوانست بر جامعه مدنی مصر مسلط شود. (آیین، خانیکی، ویژه نوروز ۹۰)

- کمیته های جامعه مدنی و حقوق بشری در اولین روزها نقش آفرینی داشتند، ولی به سرعت توده ها از آنان سبقت گرفتند، با این حال این افراد همچنان موضع سخنگو بودن خود را حفظ کرده اند. (ره نامه سیاست گذاری، موسوی، تابستان ۹۰)

- جوانان دانشگاهی، طلاب حوزه دینی، گروه های حقوق بشری، اعضای NGO ها و ... نسل جدید جامعه مدنی یمن هستند که اعتراضات را شکل می دهند و بر روندها و جهت گیری ها تأثیر میگذارند. (همشهری دیپلماتیک، مهدیان، خرداد ۹۰)

۶) نقش احزاب و عملکرد آنها

در پاسخ به این پرسش که نقش احزاب و عملکردشان در جنبش های اخیر کشورهای عربی چگونه بوده است؟ براساس کدگذاری مقوله های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- محور انقلابی و انقلاب گرایی در مصر جلوه های مختلفی داشته است، ابتدا در چهره اخوان المسلمین و بعداً در حرکات سلفی ها و تشکیلاتی مثل جماعت اسلامی و جهاد اسلامی که از افکار سیدقطب متأثر بودند خودنمایی کرد. اخوان در تمام کشورهای منطقه وجود دارد. در اروپا و آمریکا اخوان شبکه بسیار پیچیده ای است. (آیین، محمودی و فیرحی، ویژه نوروز ۹۰)

- اخوان المسلمین با زیرکی اعلام کردند که «به دنبال حکومت اسلامی نیستند و جنبش مردم مصر یک جنبش مردمی و دموکراتیک است». اخوان المسلمین دشمنان مردم مصر را خلع سلاح کرد

و با این موضع‌گیری خود، راه رشد و توسعه دموکراسی در مصر را باز گذاشت. هدف اخوان اجرای اصلاحات و تأمین حقوق همگان، نه تنها برای اخوان المسلمین و مسلمانان، بلکه برای همه مصری‌هاست. (چشم انداز، رفیعی و توان، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- اخوانی‌ها نمی‌خواهند ایدئولوژی خاصی را حاکم کنند، بلکه می‌گویند ما می‌خواهیم دموکراسی را حاکم کنیم. در بحرین از روز دوم ژوئیه تماس‌های میان حاکمیت و برخی از اعضای احزاب در قالب گفتگوهای ملی برای خروج از وضعیت بحرانی اخیر آغاز شد. (دیپلماسی ایرانی، سبحانی، ۹۰/۱/۲۴ و فرازمند، ۹۰/۵/۴)

- اخوان المسلمین در مصر و النهضه در تونس اذعان کرده‌اند که خواهان دولت مدنی و منتخب مردم هستند. با وجود این اسلام‌گرایی می‌تواند در قالب احزاب علاقه‌مند به بازی دموکراتیک نیروی تازه‌ای بگیرد. در سوریه وضع قانون جدید احزاب، از دیگر خواسته‌هایی بود که کمیته‌ای مأمور تدوین آن شد و در چهارمین ماه اعتراضات قانون جدید تدوین شد و مقرر گردید تا در مذاکرات دولت و مخالفان مورد بحث قرار گیرد. (ره نامه سیاست‌گذاری، مقصودی، تابستان ۹۰)

- در یک دهه گذشته نیز شیعیان با نقش‌کانونی گروه وفاق، در پی مشارکت و اصلاح با شیوه‌ای مسالمت‌آمیز بوده‌اند، در مقطع کنونی نیز اعتراضات مسالمت‌آمیز بود و بیشتر به دنبال آن بودند که اصلاحاتی در کشور به وجود بیاید. (پنجره، واعظی، ۹۰/۱/۲۷)

۷) نقش رسانه‌ها در جنبش

در پاسخ به این پرسش که نقش رسانه‌ها را در جنبش‌های اخیر کشورهای عربی چگونه می‌بینید؟ بر اساس کدگذاری مقوله‌های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا را انقلاب «الجزیره» و «تویتر» یا انقلاب رسانه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای نامیده‌اند. این جنبش خبرنگار درست کرده، گرچه غیرحرفه‌ای ولی «همیشه و همه‌جایی». این فضای رسانه‌ای نخبه‌های ناراضی سیاسی را به مردم وصل می‌کند و صدایشان را به گوش توده می‌رساند. (آیین، قربان‌اغلی و جلایی پور، ویژه نرور ۹۰)

- آزادی مطبوعات یکی از دستاوردهای اخیر خیزش عرب بوده و این بازگشت‌ناپذیر است. روند تحولات سریع تونس با پوشش تلویزیونی شبکه الجزیره به داخل منازل صدها میلیون عرب راه یافت. (چشم انداز، مرجایی، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- شبکه الجزیره توانسته است نقش اول را در جذب بیننده در جهان عرب به خود اختصاص دهد. (دیپلماسی ایرانی، جنتی، ۹۰/۵/۲۷)

- در این تحولات وسایل ارتباط جمعی سنتی نیز از قبیل مطبوعات، رادیو و تلویزیون به زودی به انحصار پروپاگاندای دولتی درآمدند. (ره نامه سیاست‌گذاری، مقصودی، تابستان ۹۰)

- مستندی که به تازگی از شبکه تلویزیونی الجزیره پخش شد، به تشریح این موضوع پرداخت که چگونه یک صفحه فیس بوک کمک کرد تا یک دختر ۲۰ ساله شیعه [آیات القرمزی] شناسایی و دستگیر و شکنجه شود. (پنجره، نوری، ۹۰/۶/۵)

۸) تأثیر شبکه‌های اجتماعی

در پاسخ به این پرسش که نقش رسانه‌ها را در جنبش‌های اخیر کشورهای عربی چگونه می بینید؟ براساس کدگذاری مقوله‌های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- این شبکه‌های مجازی (فیس بوک و تویتر) جای احزاب را گرفت و ارتباط برقرار کرد. معجزه‌ای به نام فضای سایبری، رهبری انتفاضة دموکراسی خواهی را بر عهده گرفته است. آنچه این دولت‌ها، از میزان نفوذ و تأثیرگذاری اش غافل بودند یا ابزار کنترل آن را نداشتند، دسترسی جوانان و مردم به ابزارهای نوین ارتباطی بود. نماد این جنبش‌ها و ابزارهای ارتباطی آنان، فضاهای مجازی و سایبری مانند فیس‌بوک، تویتر و... است. (آیین، جلالی پور، خرازی و قربان اغلی، ویژه نوروز ۹۰)

- ماهواره‌های فرامرزی و رسانه‌های اجتماعی، دستان باز رژیم‌های اقتدارگرا را فلج کرد. موج اعتراضات در سراسر کشورهای عربی به‌طور سازمان یافته از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند فیس بوک و تویتر گسترش یافت و سپس در سطح خیابان‌ها نمایان شد. (چشم انداز، توان، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- در حالی که شبکه سازی اجتماعی و دستیابی به هماهنگی در دنیای واقعی و تحت رژیم‌های آمرانه خاورمیانه و شمال افریقا به غایت دشوار است، فضای مجازی این امکان را در اختیار کاربران اینترنتی گذاشته است و به ناگاه به شکل گیری ارتشی از جوانان ناراضی در فضای واقعی کمک می کند. - نقش شبکه‌های مجازی و اجتماعی در شکل گیری بهار عرب، به حدی بود که برخی از تحلیلگران از آن به عنوان انقلاب تویتری یا فیسبوکی یاد می کنند. (ره نامه سیاست گذاری، بی نیاز و مقصودی، تابستان ۹۰)

- چندی پس از روشن شدن آتش اعتراضات در کشور بحرین، فیس بوک در این کشور فیلتر شد و صفحه اصلی شیعیان این کشور به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه معترض به حکومت که حدود ۱۰۰ هزار عضو نیز داشت، از این شبکه اجتماعی حذف شد. در بعضی از کشورهای دیگر منطقه نیز اعتراضات مردمی سبب شد که از این شبکه‌های اجتماعی فیس بوک و تویتر رفع توقیف شود و پس از مدت‌ها از فیلتر در آیند. دولت بحرین هم از فیس بوک برای ره گیری و بازداشت معترضان استفاده می کند. عبارت «انقلاب فیس بوک» را برای اخراج موفق رئیس جمهور حسنی مبارک از مصر به کار برده اند. (پنجره، اکبری و نوری، ۹۰/۶/۵)

۹) نقش جوانان

در پاسخ به این پرسش که نقش جوانان در جنبش‌های مردمی کشورهای عربی چگونه بوده است؟ براساس کدگذاری مقوله‌های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- جوانان پیشگامان نهضت‌های آزادی خواهانه‌اند. آرمان جوانان عرب، حاکمیت مطلق قانون، دستگاه قضایی مستقل، مطبوعات آزاد و تعریفی گسترده‌تر از انتخابات و غیره است. اعتراضات آرام و مدنی جوانان، توانست دیکتاتورها را به زیر بکشد یا مجبورشان کند که در مقابل مطالبات مردم سر تسلیم فرود آورند. (آیین، خرازی و صادقی، ویژه نوروز ۹۰)

- نیروی اصلی انقلاب در تونس و مصر، نسل جدیدی از جوانان تحصیلکرده است که از احزاب مخالف سنتی (و غیر مؤثر) عبور کرده‌اند و اعمال شجاعانه‌شان در دل همه اقشار اجتماعی اثر کرده است. موفقیت جوانان فرهیخته در بسیج کردن تعداد زیادی از «اکثریت خاموش» ثابت می‌کند که میلیون‌ها عرب هم در مورد وضعیت کنونی و هم درباره شکل‌گیری هر نوع حکومت مذهبی در آینده هوشیار هستند. (چشم انداز، توان، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- نماد مردم هم جوانان هستند، جوانانی که در فیس بوک و جاهای دیگر فعال‌اند. بدنه اصلی این اعتراضات در مجموع جوانان هستند. (دیپلماسی ایرانی، سبحانی، ۹۰/۶/۲۰)

- در اتفاقات جاری، جوانان رهبری نهضت را بر عهده دارند. جوانان، با قبایل و احزاب معارض خود هم نوعی هماهنگی دارند. نسل جدیدی هستند که با فناوری روز رسانه‌ای آشنا هستند، افرای آگاهند و می‌توانند با جهان ارتباط برقرار کنند. اینها خط مقدم احزاب هستند. (همشهری دیپلماتیک، مهدیان، خرداد ۹۰)

۱۰) نقش زنان

در پاسخ به این پرسش که نقش زنان در جنبش‌های کشورهای عربی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ بر اساس کدگذاری مقوله‌های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- اولین صدای انقلاب تونس را خواهر "محمد بوعزیزی" برآورد. ۲۰ درصد از افرادی را که در میدان تحریر در همان اولین هفته جمع شده بودند، زنان تشکیل می‌دادند. جنبش انقلابی لیبی را نیز زنان آغاز کردند. در طول چند ماه گذشته، کلیشه‌های قدیمی از تصویر زنان عرب به عنوان زنانی منفعل و قربانیان بی صدا تغییر کرده است. (ره نامه سیاست گذاری، مقصودی، تابستان ۹۰)

۱۱) نسبت جنبش‌ها با انقلاب اسلامی ایران

در پاسخ به این پرسش که نسبت این جنبش‌ها با انقلاب اسلامی ایران چیست؟ براساس کدگذاری مقوله‌های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- الگوی انقلاب اسلامی از نظر تاکتیک ها و روش ها خیلی اثرگذار بوده، ولی در مورد آرمان ها و هدف ها لزوماً این گونه به نظر نمی رسد. تشابه فقط در فریادهای آزادیخواهانه دیده می شود. چون مدل موفق اقتصادی ارائه ندادیم یا یک مدل سیاسی که بتواند خواسته های جوانان را برآورده کند، نباید انتظار داشته باشیم در این شرایط، تحولات به کار ما نسبت داده شود. (آیین، خاتمی، مجلسی و سبحانی، ویژه نروروز ۹۰)

- اخوان المسلمین مصر اعلام کرد که حرکت مصری ها مردمی است و نه مذهبی و مانند ایران نیست. علت این است که در ایران فقهایی هستند که شرع و مردم را جدا کرده اند، در حالی که قانون اساسی جمهوری اسلامی مبتنی بر آرای مردم و حق شهروندی است. (چشم انداز، میثمی، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- ما این تحولات را "بیداری اسلامی" خواندیم. این نام گذاری نشان دهنده رویکرد و جهت گیری ما در قبال این تحولات است. تحولات دو دهه بعد و علی الخصوص چند سال اخیر بین انقلاب اسلامی و افکار عمومی جهان اسلام فاصله انداخت و حتی باعث شکاف هایی بین خواسته های آنان از انقلاب و آنچه در صحنه واقعی مشاهده می کردند، شد. لذا در مقطع اخیر، نه تنها انقلاب اسلامی الهام بخش مردم و رهبران این جنبش ها نبود، بلکه آنچه امروز آنها مطرح می کنند و به دنبال آن هستند فاصله زیادی با رویدادهای فعلی ایران دارد و مطالبات این جنبش ها از جنس دیگری است. (دیپلماسی ایرانی، قربان اوغلی، ۹۰/۱۰/۱۲)

- با الگوی مردم سالاری دینی که جمهوری اسلامی ایران به منطقه هدیه کرد، حنای لیبرال دموکراسی غربی بی رنگ شد. (ره نامه سیاست گذاری، موسوی، تابستان ۹۰)

- بیداری دینی را که بی تأثیر از انقلاب بزرگ اسلامی ایران نیست می توان به عنوان اصل کلی قیام های خاورمیانه پذیرفت. شکی نیست که آموزه های خود را از انقلاب بزرگ اسلامی ایران گرفته اند. (همشهری دیپلماتیک، فردوسی، پور خرداد ۹۰)

- موج بیداری اسلامی که در منطقه اتفاق افتاده، دومین موج بزرگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. ایران نه تنها به عنوان آغازگر انقلاب اسلامی در منطقه مطرح است، بلکه دارای جایگاه الهام بخشی برای ملت های مسلمان نیز هست؛ بنابراین، بدون تردید چشم ملت های مسلمان به ایران دوخته شده است. (پنجره، عنادی، ۹۰/۶/۵ و زاکانی، ۹۰/۱/۲۷)

۱۲) منافع، مواضع و عملکرد ایران

در پاسخ به این پرسش که منافع، مواضع و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر در کشورهای عربی چگونه بوده است؟ براساس کدگذاری مقوله های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- تحولات متعدد تاریخی اخیر در سرنوشت ایران تأثیر مثبت گذاشته و فرصت‌های خطیری برای جامعه ایران فراهم کرده‌اند. شرایط کنونی توازن راهبردی را به نفع ایران در منطقه جهت خواهد داد، ولی ایران در صورتی می‌تواند از این فرصت‌ها استفاده بهینه کند که جامعه مدنی در ایران تقویت شود و به سوی مردم سالاری گام بردارد. قطعاً دینامیسم اجتماعی در گرو پویایی جامعه مدنی، تقویت نهادهای اجتماعی و گسترش آزادی‌های مدنی و سیاسی است. (چشم انداز، مرجایی، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- رویکرد ما در مورد بحرین و علی‌الخصوص سوریه تا حدی به یکدستی مواضع ما در قبال جنبش‌ها ضربه زد. ایران نباید با این تحولات برخورد تبعیض آمیز داشته باشد. نه این که اتفاقات بحرین را به شدت پوشش بدهیم و صحبتی از سوریه نکنیم. حلقه‌های اقتدارگرا در ایران از وقایع منطقه هیچ درسی نگرفته‌اند. در مورد سوریه نیز ما باید همانند دیگر کشورهای عربی، در کنار مردم می‌ایستادیم و از حکومت این کشور می‌خواستیم که با انجام دادن اصلاحات خواست‌های مردم این کشور را برآورده سازد و از دست زدن به خشونت خودداری کند. باید به تحولات کنونی بسپاردقت کنیم و مراقبت باشیم که از دخالت مستقیم و صریح در این کشورها یا القای این مسئله که ایران این جنبش‌ها و حرکت‌ها را پیش می‌برد، جلوگیری کنیم. (دیپلماسی ایرانی، سبحانی، ۹۰/۳/۲۴، جلایی پور، ۹۰/۱/۲۴ و قربان اغلی، ۹۰/۱۰/۱۲)

- تحولات، فرصت‌هایی را پیش‌روی سیاست و حکومت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد که می‌تواند با پرهیز از تأخیر در کنش و واکنش سیاسی به بیشینه سازی منافع ملی خود مبادرت ورزد. ضرورت به کارگیری دیپلماسی فعال و هوشمندانه ایران در ماجرای سوریه بیش از پیش احساس می‌شود. منافع و سیاست منطقه ای ایران در حوزه خلیج فارس و رقابت‌های آن با عربستان سعودی نیز مؤلفه ای مهمی در رویکرد کشور است. مسأله مهم و تأثیرگذار دیگر در خصوص نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی جمهوری اسلامی ایران با شیعیان بحرین است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. (ره نامه سیاست گذاری، بی نیاز و بیات و اسدی، تابستان ۹۰)

- ایران در طول بحران بحرین سعی کرد از ابزارها و شیوه‌های مختلف برای حمایت از گروه‌های مخالف و توقف رویکرد سرکوب حکومت و حضور نیروهای سعودی و اماراتی استفاده کند. ایران در مورد بحرین نامه ای به دبیرکل سازمان ملل متحد نوشت و خواستار مداخله شورای امنیت در این مسئله شده است. اما به نظر می‌رسد وضعیت بین المللی کشورمان باعث شده تا این مکاتبات بازخورد مؤثری نداشته باشد. به دلیل اختلاف منافی که ایران و عربستان در مسئله بحرین دارند، روابط این دو کشور تیره شده است و ممکن است از این هم تیره تر شود. قدرت جمهوری اسلامی در اکثر کشورهای منطقه و به ویژه یمن یک قدرت نرم افزاری است، برخلاف اینکه آمریکایی‌ها و

اروپایی‌ها تلاش می‌کنند این قدرت را سخت‌افزاری و دخالت جویانه نشان دهند. (همشهری دیپلماتیک، فرازند، احمدی و مهدیان خرداد ۹۰)

- متأسفانه امروز دیپلماسی فعالی در سیاست خارجی کشور ما در حمایت از انقلاب‌های مردمی منطقه مشاهده نمی‌شود. ایران بدون این‌که در امور داخلی این کشورها دخالتی داشته باشد از خواست‌ها و مطالبات مردم این کشورها حمایت کرد. برای ایرانیان و لبنانی‌ها، سقوط قذافی علاوه بر تمام این مسائل، معنای دیگری نیز دارد، امید آن‌که پس از سال‌ها خبری از امام موسی صدر به‌دست بیاید. (پنجره، زاکانی، واعظی و نعمت الهی، ۹۰/۱/۲۷)

۱۳) نقش ترکیه

در پاسخ به این پرسش که ترکیه با چه دیپلماسی در تحولات اخیر کشورهای عربی در منطقه ایفای نقش می‌کند؟ براساس کدگذاری مقوله‌های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- در تونس، هم ماهیت و سرشت تحولات و هم روندها و چشم‌انداز آینده را می‌توانیم در قالب الگویی که در ترکیه قبل از روی کار آمدن اسلام‌گرایان دنبال می‌شد، مشاهده کنیم. (آیین، خانیکی، ویژه نوروز ۹۰)

- به نظر می‌رسد چشم‌انداز آینده در این کشورها الگوی موفق ترکیه باشد. امروز دیپلماسی ترکیه در جهان اسلام مؤثرتر و نافذتر از دیگر دیپلماسی‌ها در دفاع از حقوق مردم مسلمان تحت ستم بوده است. (چشم‌انداز، رفیعی، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- آینده جهان عرب و خاورمیانه حاوی دموکراسی و آزادی است؛ چیزی شبیه الگویی که در حال حاضر در ترکیه وجود دارد. ترکیه با حمایت از موضع غرب در تحولات سوریه درصدد تثبیت جایگاه خود در نظام بین‌الملل است. (دیپلماسی ایرانی، قربان اوغلی، ۹۰/۶/۱۵)

- ترکیه با این مسئله عمده روبرو شده است که باید هم از منافع ملی خود و هم از مواضع گروه‌های معترض به حکومت‌های دیکتاتور منطقه همچون لیبی حمایت نماید. ترکیه به‌طور کلی خواهان مذاکره بین مخالفان و حکومت‌ها، اجرای اصلاحات و کاهش خشونت بوده است و این‌که ملت‌ها خودشان بدون دخالت کشورهای خارجی و بدون نقض تمامیت ارضی شان سرنوشت خویش را تعیین کنند. آنکارا سرمایه‌گذاری‌های متعددی در روابط دو جانبه با سوریه انجام داده است و حتی به عنوان میانجی میان سوریه و اسرائیل عمل کرده است. ترکیه با اتخاذ سیاست حفظ وضع موجود در قبال تحولات کشورهای نظیر بحرین و یمن، همسو با سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای غربی، به شیوه زیرکانه‌ای درصدد کاستن میزان نفوذ و قدرت مانور منطقه‌ای ایران، به عنوان یکی دیگر از رقبای منطقه‌ای خود است تا در پرتو تضعیف مصر و کنترل ایران، نقش پر رنگ‌تری در تحولات منطقه بر عهده گیرد. با توجه به روند تحولات سیاست خارجی ترکیه در چند

ماه اول سال ۲۰۱۱، به نظر می‌رسد در کشورهایی که چشم انداز تضعیف و فروپاشی رژیم نمایان شده است، ترکیه تلاش کرده است با میزبانی اجلاس‌های مخالفان و همکاری با نیروهای بین المللی مانند ناتو و شورای امنیت موقعیت مناسبی برای آینده‌ی مناسبات خویش با این کشورها فراهم کند. لیکن در کشورهایی که چشم انداز تحول جدی نیست یا شانس نظام حاکم برای تداوم حکومت خویش نسبتاً قطعی به نظر می‌رسد، ترکیه مواضع محتاطانه اتخاذ کرده است. (ره نامه سیاست گذاری، حیدری و بیات، تابستان ۹۰)

۱۴) جنبه‌های هویتی جنبش‌ها

در پاسخ به این پرسش که تا چه اندازه جنبه‌های هویتی جنبش‌های مردمی در کشورهای عربی را قابل تأمل می‌دانید؟ بر اساس کدگذاری مقوله‌های ۱۴ گانه نتایج زیر به دست آمده است:

- هویت اعراب در مصاف از اسرائیل و فلسطین منکوب شده و امروز احیای هویت خود را این‌گونه نمایان ساخته است. برخی از تحلیلگران این قیام‌ها را پاسخی به «بحران هویت» در کشورهای عربی می‌دانند و آن را «انقلاب کرامت» نام نهاده‌اند. آن چیزی که در مصر، به جای این که در نهادها و احزاب بروز و ظهور پیدا کند، در میدان التحریر شکل گرفت، به اعتبار «هویت مقاومت» بود. (آیین، خرازی، قربان اوغلی و خانیکی، ویژه نرورز ۹۰)

- مقوله «تحقیر عرب» بدین صورت بوده است که حاکمان با حمایت سیاسی، نظامی، مالی امریکا و غرب، باب هرگونه دیالوگ را بست، مردم را از هر نوع حق و صدا محروم کرده و در عین حال مردم در تعیین سرنوشت خود اندک دخالت و مشارکتی نداشتند. فرمانبرداری، تمکین و تحمل این شرایط غیردموکراتیک و استکباری باعث «سرخوردگی جمعی عرب» شده بود. (چشم انداز، مرجایی، اسفند ۸۹ و فروردین ۹۰)

- آنچه در کشورهای عربی اهمیت دارد بحران هویت است. (دیپلماسی ایرانی، سبحانی، ۹۰/۳/۲۴)

- در این تحولات افراد و گروه‌هایی که تا پیش از این شناختی از جمع بودن خود نداشته‌اند، با مشارکت در یک کنش مشترک، هویت یکسانی می‌یابند و احساس همبستگی و قدرتمندی می‌کنند. (ره نامه سیاست گذاری، مقصودی، تابستان ۹۰)

تحلیل یافته‌ها

در پاسخ رسانه‌ها به پرسش‌های چهارده گانه پیشین و در اشتراک و افتراق نظر این دسته از رسانه‌های ایرانی که به جریان‌های مختلف سیاسی تعلق دارند می‌توان چستی، چگونگی و چرایی تحولات جهان عرب را باز شناخت. آنچه در ذیل می‌آید مقایسه این همگرایی‌ها و واگرایی‌های تحلیلی است.

پرسش اول: چيستی تحولات اخیر صورت گرفته در کشورهای عربی، انقلاب است یا جنبش؟

به جزء ره نامه سیاست گذاری و پنجره، سایر رسانه‌ها به این سؤال پاسخ داده‌اند و هیچ یک ماهیت این رخدادها را انقلاب نمی‌دانند و از آنها به عنوان مطالباتی برای تغییر بدون دست زدن به حرکت‌های تند انقلابی یاد می‌کنند. این تحولات را جنبش می‌دانند، جنبش‌هایی که تغییر و اصلاح وجه عمومی کارشان است (آیین، محمودی). همشهری تحولات خاورمیانه را قیام‌هایی می‌داند که به اصلاح سیاسی منتهی می‌شوند.

پرسش دوم: جنبش‌های اخیر حاصل عوامل درونزا است یا برونزا و نقش مداخله‌های خارجی در این تحولات چگونه است؟

به طور کلی همه رسانه‌ها این جنبش‌ها را درونزا می‌دانند در این میان همشهری و پنجره نقش آمریکا و کشورهای غربی و دخالت آنان را پررنگ تر از بقیه می‌دانند. برخی از کشورهای عربی منطقه، همسایگان بحرین، آمریکا و کشورهای غربی در سرکوب شدید مردم بحرین، هم موضع و هم صدا شدند (پنجره، واعظی). غرب به ویژه محور آمریکایی-صهیونیستی با تبدیل قیام‌های مردمی به نزاع‌های قبیله‌ای، طایفه‌ای و فرقه‌ای موجب ایجاد وقفه در روند این قیام‌های مردمی شد (همشهری، فردوسی پور).

پرسش سوم: جنبش‌های اخیر کشورهای عربی در چه بستر اجتماعی در این کشورها به وجود آمده‌اند و عوامل شکل دهنده این تحولات کدامند؟

همه رسانه‌ها بر عواملی چون فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، فساد، تبعیض، بی‌عدالتی، ظلم، استبداد و ... تأکید دارند. حال آنکه تفاوت‌هایی نیز در مناطق مختلف وجود دارد. اعراب شمال آفریقا مشکلاتشان بیشتر اقتصادی است (آیین، سبحانی). در الجزایر تضادهای اجتماعی و فاصله طبقاتی وسیع، مردم را به ستوه آورده است (سایت دیپلماسی ایرانی، قربان اوغلی). ساختار چند پاره حزبی و قبیله‌ای یمن و تلاش علی عبدالله صالح برای ایجاد تفرقه‌های سیاسی و مذهبی، فشار بر شیعیان و هدایت متعرضان به سمت مبارزه مسلحانه از عوامل مؤثر در رخدادهای اخیر است (همشهری دیپلماتیک، مهدیان). در بحرین اقلیتی برای بیش از دو قرن بر سرکار هستند و اکثریتی از شیعیان و البته اهل سنت این کشور، وضعیت فلاکت باری دارند (پنجره، واعظی).

پرسش چهارم: هدف اصلی و خواست مرکزی این جنبش‌ها دموکراسی است یا دین یا هر دو؟

رسانه‌های آیین، چشم انداز، دیپلماسی ایرانی و ره نامه سیاست گذاری هدف اصلی و خواست مرکزی جنبش‌های مذکور را دموکراسی می‌دانند و معتقدند در پس ذهن مردم این است که حکومت مردم بر مردم به نوعی بومی و خودی باشد. جنبش‌های مزبور در پی این هستند که یک دولت غیردینی دموکراتیک را با یک جامعه مذهبی توأم کنند (ره نامه سیاست گذاری، مقصودی). پنجره از

اسلام به عنوان خواسته‌ی اساسی مردم نام می برد و معتقد است در همه‌ی این قیام‌ها از نمادهای اسلامی به صورت مکرر استفاده شده است.

پرسش پنجم: نسبت جامعه‌ی مدنی و نهادهای مدنی با جنبش‌های اخیر کشورهای عربی چیست؟
به این سؤال تنها رسانه‌های آیین، ره‌نامه سیاست‌گذاری و همشهری دیپلماتیک پاسخ داده‌اند. مدنیت و تکثر جامعه فرهنگی مصر به گونه‌ای بود که رژیم مبارک نتوانست بر جامعه‌ی مدنی مصر مسلط شود (آیین، خانیکی). کمیته‌های جامعه مدنی سوریه و حقوق بشری در اولین روزها نقش آفرین بودند، ولی به سرعت توده‌ها از آنان پیشی گرفتند (ره‌نامه سیاست‌گذاری، موسوی). در یمن جوانان دانشگاهی، طلاب حوزه‌ی دینی، گروه‌های حقوق بشری، اعضای NGOها و ... نسل جدید جامعه مدنی این کشور هستند که اعتراضات را شکل می‌دهند و بر روندها و جهت‌گیری‌ها اثر گذارند (همشهری دیپلماتیک، مهدیان).

پرسش ششم: نقش احزاب و عملکردشان در جنبش‌های اخیر کشورهای عربی چگونه بوده است؟
همه‌ی رسانه‌ها به جزء همشهری دیپلماتیک به نقش احزاب و عملکردشان در جنبش‌های اخیر کشورهای عربی پرداخته‌اند. نقش احزاب را مثبت می‌دانند و معتقدند که به روند دموکراسی‌خواهی و حکومت مردم بر مردم کمک کرده‌اند. اخوان المسلمین اعلام کردند که به دنبال حکومت اسلامی نیستند و جنبش مردم مصر یک جنبش مردمی و دموکراتیک است (چشم‌انداز، رفیعی). اخوانی‌های مصر نمی‌خواهند ایدئولوژی خاصی را حاکم کنند و به دنبال استقرار دموکراسی هستند (دیپلماسی ایرانی، سبحانی). اخوان المسلمین در مصر و النهضه در تونس خواهان دولت مدنی و منتخب مردم هستند (ره‌نامه سیاست‌گذاری، مقصودی).

پرسش هفتم: نقش رسانه‌ها در جنبش‌های اخیر کشورهای عربی چگونه است؟
به جزء همشهری دیپلماتیک، سایر رسانه‌ها به بررسی نقش رسانه‌ها در رویدادهای اخیر کشورهای عربی پرداخته‌اند. و همگی اذعان داشته‌اند که رسانه‌ها نقش بسزایی در این جنبش‌ها ایفا کرده‌اند. روند تحولات را تسریع کرده‌اند و صدای مردم این کشورها را به گوش جهانیان رسانده‌اند. تحولات کشورهای عربی را انقلاب «الجزیره» و «تویتر» یا انقلاب رسانه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای نامیده‌اند (آیین، قربان اوغلی). چشم‌انداز روند تحولات سریع تونس با پوشش تلویزیونی الجزیره به داخل منازل صدها میلیون عرب راه یافت. وسائل ارتباط جمعی سنتی مانند مطبوعات، رادیو و تلویزیون به انحصار پروپاگاندای دولتی درآمدند (ره‌نامه سیاست‌گذاری، مقصودی).

پرسش هشتم: تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر جنبش‌های اخیر چگونه بوده و این شبکه‌ها با چه سازوکارها و فرآیندهایی تغییر وضعیت ایجاد کرده‌اند؟

رسانه‌های آیین، چشم انداز، ره نامه سیاست گذاری و پنجره به پاسخ این سؤال پرداخته‌اند. این رسانه‌ها شبکه‌های اجتماعی را در این جنبش‌ها بسیار مؤثر دانسته‌اند تا حدی که برخی معتقدند این شبکه‌ها به زودی جای احزاب را در این کشورها خواهند گرفت. این ابزارهای نوین ارتباطی داستان باز رژیم‌های اقتدارگرا را فلج کرد (آیین، قربان اغلی). موج اعتراضات به طور سازمان یافته از طریق شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک و توئیتر گسترش یافت و سپس در خیابان‌ها نمایان شد (چشم انداز، توان). دولت بحرین از فیسبوک برای ره گیری و بازداشت معترضان استفاده می کند (پنجره، نوری).

پرسش نهم: نقش جوانان در جنبش‌های مردمی کشورهای عربی چگونه بوده است؟

به جزء پنجره سایر رسانه‌ها نقش جوانان را در تحولات کشورهای عربی مورد ارزیابی قرار داده‌اند و نقش آنان را مثبت قلمداد کرده‌اند. جوانان را پیشگام این حرکت‌ها دانسته‌اند. نسل جدیدی که شجاعانه مطالباتش را فریاد زد و در برابر تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها ایستاد. اعتراضات آرام جوانان توانست دیکتاتورها را به زیر کشد یا مجبور کند که در مقابل مطالبات مردم سر تسلیم فرود آورند (آیین، صادقی). در تونس و مصر، نسل جدیدی از جوانان تحصیل کرده از احزاب مخالف سنتی و غیر مؤثر عبور کرده‌اند (چشم انداز، توان). دیپلماسی ایرانی بدنه اصلی اعتراضات را جوانان می‌داند. ره نامه سیاست گذاری معتقد است بیشترین مشارکت در تعیین هدف‌ها و انعکاس خواسته‌ها در شعارها و برنامه‌های این تحرکات را جوانان بر عهده داشته‌اند. خط مقدم احزاب نسل جدیدی هستند که با فناوری روز رسانه‌ای آشنا هستند و آگاهی کافی دارند (همشهری دیپلماتیک، مهدیان).

پرسش دهم: نقش زنان در جنبش‌های کشورهای عربی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از میان شش رسانه مورد بررسی تنها ره نامه سیاست گذاری نقش زنان را در جنبش‌های کشورهای عربی مورد ارزیابی قرار داده است. این نشریه ضمن مهم دانستن نقش زنان در این جنبش‌ها از تغییر کلیشه‌های قدیمی تصویر زنان عرب به عنوان زنانی منفعل و قربانیان خاموش یاد می‌کند و مثال‌های می‌زند از زنانی که حداقل ۲۰ درصد جمعیت میدان‌التحریر را تشکیل داده‌اند، زنانی که آغازگر جنبش انقلابی در لیبی شدند و خواهر «محمد بو عزیز» زنی بود که اولین صدای انقلاب تونس را برآورد.

پرسش یازدهم: نسبت این جنبش‌ها با انقلاب اسلامی ایران چیست؟

در مورد این سؤال رسانه‌ها نگاه‌های مختلفی دارند. رسانه‌های آیین و چشم‌انداز و دیپلماسی ایرانی این تحولات را با انقلاب اسلامی مرتبط نمی‌دانند و آنرا بیداری اسلامی نمی‌خوانند و

معتقدند نباید انتظار داشت که در این شرایط، تحولات به کار ما نسبت داده شود. الگوی انقلاب اسلامی از نظر تاکتیک‌ها اثرگذار بوده اما در مورد آرمان‌ها و هدف‌ها این گونه به نظر نمی‌رسد و تشابه فقط در فریادهای آزادی خواهانه دیده می‌شود (آیین، خاتمی). اخوان المسلمین مصر اعلام کرد حرکت مصری‌ها مردمی است، نه مذهبی و مانند ایران نیست (چشم انداز، میثمی). دیپلماسی ایرانی بر این باور است که تحولات دو دهه بعد از انقلاب اسلامی و به خصوص چند سال اخیر بین انقلاب اسلامی و افکار عمومی جهان اسلام فاصله انداخته است و در مقطع اخیر انقلاب اسلامی الهام بخش مردم و رهبران این جنبش‌ها نبوده است. از طرفی رسانه‌های ره‌نامه سیاست‌گذاری، همشهری دیپلماتیک و پنجره این حرکت‌ها را الهام گرفته از انقلاب اسلامی دانسته‌اند و آنها را بیداری اسلامی می‌خوانند. الگوی بیداری دینی مردم سالاری دینی است که جمهوری اسلامی ایران به منطقه هدیه کرده است (ره‌نامه سیاست‌گذاری، موسوی). بیداری دینی منطقه بی‌شک آموزه‌های خود را از انقلاب بزرگ اسلامی ایران گرفته است (همشهری دیپلماتیک، فردوسی‌پور). موج بیداری اسلامی که در منطقه اتفاق افتاده، دومین موج بزرگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی است (پنجره، عنادی).

پرسش دوازدهم: منافع، مواضع و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات اخیر در کشورهای عربی چگونه بوده است؟

به جزء نشریه آیین، سایر رسانه‌ها به این پرسش پرداخته‌اند و به طور کلی همگی آنان در این نکته اشتراک نظر دارند که تحولات اخیر فرصت‌های خطیری برای کشورمان فراهم آورده است و ما بایستی با مواضع یکدست و برخورد غیر تبعیض آمیز، توازن راهبردی را به نفع ایران در منطقه جهت دهیم. در مورد این هدف چشم انداز معتقد است که ایران زمانی توان استفاده بهینه از این فرصت‌ها را خواهد داشت که جامعه مدنی در ایران تقویت شود و به سوی مردم سالاری گام بردارد. در مورد سوریه ما باید مانند دیگر کشورهای عربی در کنار مردم می‌ایستادیم نه اینکه مثلاً اتفاقات بحرین را به شدت پوشش دهیم و صحبتی از سوریه نکنیم (دیپلماسی ایرانی، قربان اوغلی). به کارگیری دیپلماسی فعال و هوشمندانه ایران در ماجرای سوریه ضروری است (ره‌نامه سیاست‌گذاری، بیات). به نظر می‌رسد وضعیت بین المللی کشورمان باعث شده تا مکاتبات ایران در مورد بحرین با دبیرکل سازمان ملل متحد بازخورد موثری نداشته باشد (همشهری دیپلماتیک، احمدی). متأسفانه دیپلماسی فعالی در سیاست خارجی ما در حمایت از انقلاب‌های مردمی منطقه مشاهده نمی‌شود (پنجره، زاکانی).

پرسش سیزدهم: تأثیر ترکیه در تحولات اخیر کشورهای عربی چیست و این کشور با چه دیپلماسی در منطقه ایفای نقش کرده است؟

چهار نشریه آیین، چشم‌انداز، دیپلماسی ایرانی و ره‌نامه سیاست‌گذاری به بررسی دیپلماسی مورد استفاده ترکیه در تحولات اخیر کشورهای عربی پرداخته‌اند و در مجموع ترکیه را الگوی موفق چشم‌انداز آینده این کشورها می‌دانند. به نظر آنها این کشور به خوبی دریافته که هم باید از منافع ملی دفاع کند و هم از مواضع گروه‌های معترض به حکومت‌های دیکتاتور حمایت به عمل آورد. در تونس، ماهیت و چشم‌انداز آینده در قالب الگویی که در ترکیه قبل از روی کار آمدن اسلام‌گرایان دنبال شد، قابل فهم است (آیین، خانیکی). امروز دیپلماسی ترکیه در جهان اسلام نافذتر از سایر دیپلماسی‌ها در دفاع از مردم مسلمان تحت ستم بوده است (چشم‌انداز، رفیعی). ترکیه با اتخاذ سیاست حفظ وضع موجود در قبال تحولات کشورهای نظیر بحرین و یمن، همسو با سیاست‌های شواری همکاری خلیج فارس و کشورهای غربی، به شیوه‌ای زیرکانه درصدد کاستن میزان نفوذ قدرت مانور منطقه‌ای ایران است (ره‌نامه سیاست‌گذاری، بیات).

پرسش چهاردهم: تا چه اندازه جنبه‌های هویتی جنبش‌های مردمی در کشورهای عربی قابل توجه است؟ جز نشریات همشهری دیپلماتیک و پنجره که به این سؤال پاسخ نداده‌اند، چهار نشریه دیگر به طور کلی این جنبش‌های مردمی را مرتبط با بحران هویت در کشورهای عربی و پاسخی به تحقیر عرب دانسته‌اند. هویت اعراب در مصاف با اسرائیل و فلسطین منکوب شده و امروز هویت خود را احیا نموده‌اند. برخی از تحلیلگران این قیام‌ها را پاسخی به «بحران هویت» در کشورهای عربی می‌دانند و آن را «انقلاب کرامت» نام نهاده‌اند (آیین، قربان اوغلی).

جمع بندی و نتیجه گیری

جنبش و رویکردی که امروز تحت عنوان «بهار عربی»، «بیداری اسلامی» و عناوین مشابه جهان عربی را فرا گرفته، دگرگونی و تغییری فراتر از قلمروهای جغرافیایی است. این جنبش متأثر از عوامل گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است که در آن میل به گریز از استبداد و نیل به آزادی پر رنگ تر است.

در واقع جنبش مردمی و دموکراتیکی که در جهان عرب به وجود آمده مهم ترین تحولی است که در این دوران به صورت فراگیر و به هم پیوسته در کشورهای عربی و اسلامی به وجود آمده است. رسانه‌های نوین، از جمله رسانه‌های مجازی عامل مهمی در پیدایش و گسترش آنها بوده و هستند، در عین حال نباید از عاملیت نهادهای مدنی و سازمان‌های سیاسی در دوام و بقای آنها غفلت کرد. به رغم فراگیری این جنبش‌ها و پیروزی سریع برخی از آنها نباید انتظار پیروزی زودرس همه این جنبش‌ها و توانایی غلبه سریع آنها بر مشکلات پیشین را داشته باشیم. از آنجا که استبداد و

خودکامگی در کشورهای اسلامی و عربی ریشه تاریخی دارد و قوت و قدرت نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و شبکه‌های اجتماعی نیز در همه جا یکسان نیست، نباید انتظار داشت که افراد و نهادهای خودکامه به سادگی از سطوح و لایه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حذف شوند. در واقع میان پیدایش و شکل‌گیری جنبش‌های دموکراتیک اجتماعی و استقرار دموکراسی، فاصله‌هایی واقعی وجود دارد.

واقعیت این است که تحولات فرهنگی، اجتماعی و ساختاری مهمی در جوامع منطقه در حال شکل‌گیری است. بالا رفتن سطح سواد و آموزش، رشد فرآیند شهری شدن، گسترش طبقه متوسط جدید، افزایش نقش فزاینده زنان در سپهر عمومی، بالا رفتن سطح دسترسی به رسانه‌ها و فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات و به طور کلی، شتاب روند مدرن شدن این جوامع از جمله متغیرهای هستند که با ساختارهای بسته و استبدادی رژیم‌های حاکم بر آنها در تعارض اند و در نتیجه این حکومت‌ها یا باید در بافت و ساخت غیر دموکراتیک خود به موقع اصلاحات مقتضی را شکل دهند یا در معرض این خواست‌ها و دگرگونی‌های وسیع قرار گیرند.

با وجود این، اکنون باید در غیاب نهادهای مدنی و سیاسی قدرتمند نگران بازگشت استبداد یا سلطه و شکل‌گیری صورت‌های دیگری از جنبش‌های هویتی در اشکال دینی، ملی و قومی نیز بود، زیرا اگر چه مردم قدرت را از غاصبان آن گرفته اند، در شکل دادن به دموکراسی و تعمیم آن باید از رادیکالیسم و افراط‌گرایی از سویی و واپس‌گرایی از سوی دیگر بپرهیزند و فرصت‌های لازم برای شکل‌گیری نهادهای دموکراتیک و مدنی از قبیل احزاب نهادهای غیر دولتی، مطبوعات و رسانه‌های آزاد و مستقل و برگزاری انتخابات سالم و آزاد ایجاد شود.

منابع

فارسی

- اسدی، ع. ا و زارع، م. (تابستان ۹۰). بحران بحرین: تعارض رویکردهای منطقه‌ای. ره نامه سیاست گذاری شماره ۲.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۰). تهران: نشر نی.
- بیات، ن. (تابستان ۹۰). ره نامه سیاست گذاری شماره ۲.
- بی نیاز، ع. (تابستان ۹۰). اقتصاد تحولات اخیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. فصلنامه ره نامه سیاست گذاری شماره ۲.
- پیران، پ. (پاییز ۸۴). فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران. فصل نامه رفاه اجتماعی شماره ۱۸.
- جلالی پور، ح. ر. (۱۳۸۹). جامعه شناسی جنبش‌های اجتماعی؛ با تاکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد. تهران: انتشارات طرح نو.
- حیدری، م. ع. و رهنورد، ح. (تابستان ۹۰). نوع‌ثمنانی گرایي و سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ترکیه (با تکیه بر تحولات بهار عرب). ره‌نامه سیاست‌گذاری شماره ۲.
- سورین، و. و جمیز تانکار (۱۳۸۴). نظریه‌های ارتباطات. ترجمه علیرضا دهقان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاستلز، م. (۱۳۸۹). عصر اطلاعات؛ ج ۱، ترجمه؛ حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.
- کاستلز، م. (۱۳۸۹). عصر اطلاعات؛ ج ۲، ترجمه؛ حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.
- کاستلز، م. (۱۳۸۹). عصر اطلاعات؛ ج ۳، ترجمه؛ حسن چاوشیان. تهران: طرح نو.
- مشیرزاده، ح. (۱۳۸۱). درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- مقصودی، م. و حیدری، ش. (تابستان ۹۰). بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش‌های عربی در کشورهای خاورمیانه. ره نامه سیاست گذاری شماره ۲.
- موسوی، س. ح. (تابستان ۹۰). گذری بر مبانی اجتماعی تحولات سوریه. ره نامه سیاست گذاری شماره ۲.
- نش، ک. (۱۳۸۲). جامعه شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن، سیاست و قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: انتشارات کویر.
- نوذری، ح. (۱۳۸۶). بازخوانی هابرماس؛ تهران: انتشارات چشمه.

منابع انگلیسی

- Diani, Mario (1992). The Concep of Social Movements, in Civil Societies and Social Movements. Milan: Bocconi University of Milan
- Dieter opp, CARL (2009). Theories of Political Protest and Social Movements, New York: Routledge.
- McAdam, Doug (1982). Political Process and the Development of Black Insurgency 1930-1970. Chicago: University of Chicago Press.
- Tilly Charles, McAdam, Doug and Giugni, Macro (1999). How Social Movements Matter, Minnesota: University of Minnesota Press.